



سازنی در کربلاست

نگاهی بر هزار سال شعر عاشورایی فارسی از شاعران ایران

رحیم زریان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سازنی در کربلاست

نگاهی بر هزار سال شعر عاشورایی فارسی از شاعران ایران

تهیه و تدوین

رحیم زریان



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۹۷

سرشناسه: زریان، رحیم، ۱۳۳۰ - ، گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: سازنی در کربلاست: نگاهی بر هزار سال شعر عاشورایی فارسی از شاعران ایران /
تهیه و تدوین رحیم زریان
مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری: ۲۳۶ ص.
شابک: 978-600-435-092-1

وضعیت فهرست نویسی: فیپا
عنوان دیگر: نگاهی بر هزار سال شعر عاشورایی فارسی از شاعران ایران
موضوع: عاشورا - شعر
موضوع: Tenth of Muharram - Poetry
موضوع: شعر مذهبی - مجموعه‌ها
موضوع: Religious poetry - Collections
موضوع: شعر فارسی - مجموعه‌ها
موضوع: Persian poetry - Collections
موضوع: شاعران ایرانی
موضوع: Poets, Iranian
شناسه افزوده: مؤسسه اطلاعات
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۲ س ۴ / ز ۴۱۹۱ PIR
رده‌بندی دیویی: ۸۳۱ / ۱۰۸۳۱ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۱۷۳۲۸



انتشارات اطلاعات
تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۳۹۹۵۳۱۱۱
تلفن: ۲۹۹۹۳۳۵۵۶
فروشگاه مرکزی: بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶
فروشگاه شماره (۱): خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴

سازنی در کربلاست

تهیه و تدوین رحیم زریان

ویراستار: افسانه فارونی
طراح جلد: رضا گلجی
حروف نگار: مهیا سادات شریعی
صفحه‌آرا: رحیم رضائی
حروف نگاری، چاپ و صحافی: مؤسسه اطلاعات
چاپ اول: ۱۳۹۷
شمارگان: ۱۰۵۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۵-۰۹۲-۱ ISBN: 978-600-435-092-1

Printed in Iran همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست

حرف اول / حقیقت مطلق.....	۹
مقدمه.....	۱۳

فصل اول: شاعران بزرگ - هزاره اول

حکیم سنایی.....	۱۹
عطار نیشابوری.....	۲۱
مولانا.....	۲۳
شیخ شیراز سعدی.....	۲۵
سیف فرغانی.....	۲۸
خواجوی کرمانی.....	۳۰
سلمان ساوجی.....	۳۳
خواجه شیراز حافظ.....	۳۵
محتشم کاشانی.....	۳۷
صائب تبریزی.....	۴۴

۴۶	بیدل دهلوی.....
۴۹	سروش اصفهانی.....
۵۲	عمان سامانی.....
۵۶	ادیب الممالک فراهانی.....

فصل دوم: شاعران معاصر

۶۱	محمد اقبال لاهوری.....
۶۴	ملک الشعرای بهار.....
۶۶	فؤاد کرمانی.....
۷۰	محمد حسین شهریار.....
۷۴	خسرو احتشامی.....
۷۹	زکریا اخلاقی.....
۸۲	حسین اسرافیلی.....
۸۷	رضا اسماعیلی.....
۹۱	مرتضی امیری اسفندقه.....
۹۴	صابر امامی.....
۹۸	قیصر امین پور.....
۱۰۱	اسماعیل امینی.....
۱۰۶	ساعده باقری.....
۱۰۸	عباس براتی پور.....
۱۱۱	سید حمید رضا برقی.....
۱۱۵	سعید بیابانکی.....
۱۲۰	پرویز بیگی حبیب آبادی.....
۱۲۴	سید حسن ثابت محمودی (سهیل).....

۱۲۹	حبیب الله چایچیان (حسان).....
۱۳۳	سید حسن حسینی.....
۱۳۹	ابوالقاسم حسینجانی.....
۱۴۴	کریم رجبزاده.....
۱۴۸	غلامرضا رحمدل.....
۱۵۱	عبدالرضا رضایی نیا (باران).....
۱۵۶	رحیم زریان.....
۱۶۲	حمید سبزواری.....
۱۶۶	سیدعباس سجادی.....
۱۶۹	محمود سنجری.....
۱۷۲	محمد رضا سهرابی نژاد.....
۱۷۶	محمود شاهرخی (جذبه).....
۱۷۹	کامران شرفشاهی.....
۱۸۴	سید ضیاءالدین شفیعی.....
۱۸۹	حمیدرضا شکارسری.....
۱۹۶	بهمن صالحی.....
۲۰۰	طاهره صفارزاده.....
۲۱۳	قادر طهماسبی (فرید).....
۲۱۸	احمد عزیزی.....
۲۲۳	افشین علاء.....
۲۲۶	مصطفی علی پور.....
۲۳۰	محمد جواد غفورزاده (شفق).....
۲۳۶	علیرضا قزوه.....
۲۴۳	مشفق کاشانی.....

۲۵۴	حمید کرمی.....
۲۶۱	سیدعلی موسوی گرمارودی.....
۲۷۳	محمدعلی مجاهدی (پروانه).....
۲۷۸	مصطفی محدثی خراسانی.....
۲۸۱	جلال محمدی.....
۲۸۶	فراز محمدی پور.....
۲۸۹	محمدعلی معلم.....
۲۹۳	شهرام مقدسی.....
۲۹۷	حسین منزوی.....
۳۰۰	محمدرضا مهدیزاده.....
۳۰۴	یوسف علی میرشکاک.....
۳۱۰	پروانه نجاتی.....
۳۱۵	رضا نیکوکار.....
۳۱۸	مرتضی نوربخش.....
۳۲۴	سیمین دخت وحیدی.....
۳۲۸	سلمان هراتی.....
۳۳۳	منابع.....

حرف اول

حقیقت مطلق

المنة لله که در میکده باز است
زان رو که مرا بر در او روی نیاز است
خم ها همه در جوش و خروشند ز مستی
وان می که در آنجاست، حقیقت نه مجاز است
سپاس بی کران بر حضرت دوست باد که عالم و هستی در ید قدرت
اوست، معشوق و خالقی که سرچشمه وجود است، پروردگاری که انسان
و همه مخلوقات نیازمند الطاف اوست.
و او بی نیاز از تمامیت هستی است. «حقیقت مطلق»
از وی همه مستی و غرور است و تکبر
وز ما همه بیچارگی عجز و نیاز است
رازی که بر غیر نگفتیم و نگوئیم
با دوست بگوئیم که او محرم راز است
عجز و ناتوانی ما در پیشگاه آن دوست و محرم راز، کمال خرسندی

و توانایی است (لئن شکرتم لازیدنکم)^۱ اگر انسان همه عمر خویش را سپاس حضرت سبحان گوید نشان آگاهی و خردمندی اوست، عالم و هستی میکده اوست و همه موجودات مهمان و بر سر سفره او متنعم اند، از یک سو خالق نور مطلق است و دیگر سو همه سیاهی، پلیدی و تباهی است.

شرح شکن زلف خم اندر خم جانان

کوته نتوان کرد که این قصه دراز است

بار دل مجنون و خم طره لیلی

رخساره محمود و کف پای ایاز است

انسان هرگز و هیچگاه قادر نخواهد بود ابعاد مختلف زلف معشوق و پیچ در پیچ آن را کشف کند و به تفسیر نشیند، گیسو بر افروختن یار و معشوق ازلی، همانا چهره‌نمایی حکمت، نعمت و الطاف اوست که تمام ناشدنی است، و قصه سر درازی دارد.

انسان مثل مجنونی در همه احوال به دنبال کرشمه و دلبری لیلی وجود خویش است.

بردوخته‌ام دیده چو باز از همه عالم

تا دیده من بر رخ زیبای تو باز است

در کعبه کوی تو هر آن کس که بیاید

از قبله ابروی تو در عین نماز است

انسان اگر این توفیق را رهین راه خویش کند و به خالق و معشوق و معبود خویش دل سپارد و دیده در نگاه او داشته باشد و به او اعتماد کند کافی است، حتی می‌تواند دیده از همه عالم بر بندد، و مقیم کعبه کوی دلبر

شود؛ حضور در قبله ابروی دلبر مانند نماز بپا داشتن است و محرم شدن است.

نهضت حضرت اباعبدالله (ع) در کربلا همین معنی را دارد. پیشوا و امامی که همه هستی خود را تقدیم معشوق و معبود خویش کرد، فرزندان، برادران، برادرزادگان، یاران و حتی از دادن سر و جان خویش دریغ نکرد. ای مجلسیان، سوز دل حافظ مسکین

از شمع بپرسید که در سوز و گداز است
در راه عشق باید سوخت و مانند شمع آب شد تا بر حیات روشنی
بخشید، شهادت و شهید چراغی است که جهل، سیاهی و کفر را از دامن
جامعه و کشور پاک کرد و روشنی را به ارمغان آورد.
مانند شهیدان کربلا که ستمکاران و ظالمان را رسوا کردند و مشت
اهریمنان را باز کردند.

انقلاب اسلامی ایران به راهبری حضرت امام خمینی قدس الله نمادی
از نهضت کربلای حضرت سیدالشهداء (ع) است، که خون بر شمشیر
پیروز شد.

در فکر آن بودم تا مجموعه شعری عاشورایی از شاعران کشورم را
که دارای بلاغت و صناعات لفظی و معنوی، کشف و نوآوری و ایجاز و
بدیع باشد فراهم آورم، خصوصاً اشعار وزین و سرشار از جوهر خیال و
احساس چند شاعر نامدار را کنار هم قرار دهم تا در دسترس اهل دل و
عاشقان مکتب ثارالله باشد.

اشعار ۷۲ شاعر را که به عدد مشهور ۷۲ شهید کربلاست تیمناً برگزیده‌ام
تا قدمی هر چند کوچک در این راه بردارم و می‌دانم بیش از هزار شاعر
عاشورایی در کشور ایران حضور دارند؛ خصوصاً شاعران معاصر و انقلابی،
به قول مولانا:

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید
 دفتر شعر: سازنی در کربلاست، را در دو فصل فراهم آوردم: فصل
 اول اشعار ۱۴ شاعر نامدار ایران است که در طی هزار سال گذشته توانستند
 حرمت شعر عاشورایی را پاس بدارند؛ فصل دوم نیز اشعار ۵۸ شاعر نام‌آشنای
 معاصر است که بخش اعظم این مجموعه شعر را به خود اختصاص داده
 است.

نماز ظهر عاشورای حضرت امام حسین علیه‌السلام در اوج پیکار
 نشانه برهان و حق علیه باطل است، خطبه و سخنان امام در ظهر عاشورا
 تکلیف را بر همگان روشن کرد و مفهوم «امر به معروف و نهی از منکر»
 را آشکار ساخت، تلاوت قرآن کریم و اقامه اذان سر بریده حضرت
 سیدالشهداء (ع) بر بالای نیزه دلیل حق‌طلبی، حق‌جویی و حجت‌خدای
 سبحان بر کافران است.

توسل جستن به قمر بنی‌هاشم علمدار و سقای کربلا حضرت
 ابوالفضل عباس (ع) و توسل بر حضرت علی اکبر (ع)، حضرت قاسم ابن
 حسن (ع) و حضرت علی اصغر (ع) طفل شیرخوار امام نشانه کمال اخلاص،
 آگاهی و معرفت است؛ توفیق زیارت مرقد مطهر و آستان‌بوسی درگاه
 حضرت اباعبدالله (ع)، قمر بنی‌هاشم و دیگر شهدای کربلای معلّا را برای
 عاشقان و پیروان آن حضرت از خداوند منّان آرزو مندم.

مقدمه

تلخ و شیرین اندوه

با همه قدرتی که بشر در اداره امور خود و دیگران دارد و یا در طول زندگی کسب می‌کند، هنوز و همواره آنچه در محدوده خواستهای او رخ می‌دهد، نسبت به آنچه بیرون از این محدوده است، اندک است. خرسندی بشر از وقوع حوادث موافق خواستش و اندوه او از حوادث ناخواسته بسیار بدیهی و قابل درک است.

از این رو اگر گریستن را واکنشی ممتاز و متمایز برای بشر ندانیم که او را در کشاکش حوادث ناموافق برای ادامه حیاتش مدد رسانده، شاید یکی از بزرگترین ویژگی‌های بشر را نادیده گرفته باشیم. این نشانه بشری عکس‌العملی بیرونی به اندوه درونی اوست و راهی برای افزایش قدرت تحمل مصایب و دقیقه‌ای برای بازگشت به وضعیت متعادل خلقی و ادامه حیات.

بشر از دوران حیات بدوی‌اش می‌گریسته و از گریستن به عنوان ابزاری برای مهار درونیات خود و اعلام این درونیات به دیگران استفاده

می کرده است و گریستن نه تنها مذموم و ناپسند نبوده، بلکه به مرور زمان و آشکار شدن کارکردهای تسکینی گریه، حتی به شکل توصیه‌های حکمی و دینی و تربیتی نیز برای التیام آلام به کار رفته است.

پرسش این است که اهل هنر و ادبیات در طول تاریخ اندوه و گریستن‌شان را در آثارشان چگونه منعکس می‌کرده‌اند؟

تردیدی نیست که در همهٔ مقاطع تاریخ ادبیات «سوگ و طرب» از مضامین پایه‌ای شعر بوده و هر یک حال و درون شاعران را منعکس می‌کرده است.

«سوگ» خود در شعر فارسی مصادیقی دارد که از این میان سوگواری بر قهرمانان بسیار ممتاز و متمایز است و از جمله مهم‌ترین آنها سوگ سروده‌هایی است که در اطراف ماجرای کربلا و شهادت اصحاب امام حسین (ع) صورت بسته است؛ اما با این حال این انعکاس همواره متناسب با متغیرهای متعدد درونی و بیرونی، «عمق و بعد» متفاوتی داشته و در صورت و جوهر شعرها به اشکال متنوعی ظهور و بروز یافته است.

همچنان که پیش‌تر و در کتاب «آیین‌های مکدر» به تفصیل آورده‌ام، یکی از مهم‌ترین این متغیرهای، ضرورت‌های اجتماعی است از جمله:

الف) نیاز به ثبت واقعه که به سروده‌های توصیفی منتهی می‌شود.

ب) اجتناب از فراموشی فاجعه که به سروده‌های تلخ و گریاننده منتهی می‌شود.

ج) سازگاری با خفقان حاکم که به سروده‌های کنایی و عرفانی منتهی می‌شود.

د) هشدار به تکرار ستم که به شعرهای متغم و زنهاردهنده منتهی می‌شود.

آنچه در شعرهای عاشورایی و سوگوار فارسی از ابتدا تاکنون رخ

داده، جملگی در ذیل یکی از این عناوین قرار می‌گیرد و توفیق و ماندگاری و اثرگذاری شعرها نیز منتسب به آن است که شاعر خود و شعرش را در بازتاب کدام یک از وظایف و پیامهای اجتماعی فوق ببیند و ملزم به واکنش بداند.

به نظر می‌آید شعر عاشورایی و سوگوار در دهه‌های اخیر - به ویژه آن دسته که به تنبه و هشدار و زنده‌یادان مخاطبان چشم داشته‌اند و آنها را به پرهیز از فراهم ساختن زمینه‌های تکرار ستم، فراخوانده‌اند - از اقبال و استقبال و اثرمندی افزون‌تری بهره‌مند بوده‌اند.

زمینه‌ها و پی‌رنگ‌های اجتماعی موجود در ادوار اخیر، سبب شده است تا شعر سوگوار و عاشورایی، چه از حیث حجم و چه تعدد شاعر، سهم عمده‌تری از شعر روز را به نسبت دوره‌ها و قرون پیشین شامل شود. البته این ترقی تنها در کثرت متوقف نمانده، بلکه هم در فرم و هم در مضمون و پیام شعر عاشورایی را به کسب تجربیاتی ارزنده موفق ساخته است.

این تجربیات در حوزه قالبهای شعر شامل خلق آثاری در همه قالبهای سنتی کمتر آزموده شده از دوبیتی و رباعی گرفته تا مثنوی و چهارپاره و قالبهای نوین از نیمایی گرفته تا سپید و حجم و... را دربر می‌گیرد. در برخی از این قالبها جز در ایام اخیر، در گذشته‌های دور و نزدیک، نمی‌توان اثری عاشورایی را یافت. در قالبهای نوین هم که شعر تا اندکی قبل از انقلاب چنان ایدئولوژی‌گریز بود که اساساً هیچ موضوع باورمندی را در خویش بر نمی‌تایید!

در حوزه «متن و پیام و غرض» نیز شعر عاشورایی جاندار و امروز دیگر نه وظیفه‌ای برای توصیف ماجرای عاشورا دارد و نه بیمی که منجر به کنایی‌سرایي شود. تنها دو گروه از شاعران در سالهای اخیر به خلق شعر

عاشورایی پرداخته‌اند؛ نخست آنها که هنوز به گریاندن مخاطبان خود سرگرم‌اند و گروه کوچک که مخاطبان را به وقوع دوباره عاشورا و فجایع پس از آن زنه‌ار می‌دهند.

این گروه آخر، مخاطبان را به قیاس شاعرانه میان عوامل و مجریان حادثه کربلا دعوت می‌کنند و از آنها می‌خواهند تا سوگی دیگر در نرسیده بهوش شوند و چشم جان و دلشان را باز کنند.

باشد که چشم‌های ما «گریستن» را وا بگذارند و به مدد این شاعران زنه‌ارگوی عاشورایی اندکی به «نگریستن» متعهد شوند!

امیدوارم مجموعه‌هایی از این دست که به همت شاعر ارجمند جناب «رحیم زریان» فراهم آمده، فرصت تحلیل و چند و چون بیشتری برای اهل تأمل به دست دهد و از رهگذر این دقت و درنگ، شعر عاشورایی آینده، شعری ستم‌ستیزتر و حق‌مدارتر و روزآمدتر باشد.

سیدضیاءالدین شفیعی

فصل اول

شاعران بزرگ

هزاره اول

حکیم (سنایی)

حکیم سنایی غزنوی معروف به سنایی در سال ۴۷۳ ق در شهر غزنه (امروز افغانستان) ولادت یافت. او در ایام جوانی سفرهایی در شهرهای بلخ، سرخس، هرات و نیشابور داشت و مدتی را در این شهرها گذراند. نقل است که حکیم سنایی سفری نیز به کعبه داشت و پس از بازگشت از مکه و خانه خدا، مدتی را در شهر بلخ اقامت گزید، و در سال ۵۱۸ ق به غزنین بازگشت و حاصل سفرهایش، قصاید اوست.

حکیم سنایی بقیه عمرش را در غزنین به سر برد و مثنوی معروف «حدیقه الحقیقه» را تألیف کرد، وی در سال ۵۴۵ رحلت کرد.

این شاعر بلند آوازه سده پنجم و ششم هجری قمری از بنیانگذاران سبک عراقی شعر فارسی می‌باشند و این شعر عاشورایی از اوست.

برسریزه

وآن عزیزان به تیغ دل‌ها چاک	وآن تن سر بریده در گل و خاک
تن بی‌سر بسی بیفتیده	وآن تن سر به خاک غلتیده

وآن گزین همه جهان کشته
وآن چنان ظالمان بدکردار
حرمت دین و خاندان رسول
تیغ‌ها لعل‌گون ز خون حسین
کرده آل‌زیاد و شمر لعین
حسین از زخم کرده سینه کبود
زخم شمشیر و نیزه و پیکان

در گل و خون تنش بیاغشته
کرده بر ظلم خویشستن اصرار
جمله برداشته ز جهل و فضول...
چه بود در جهان بتر زین شین؟
ابتدایی چنین تبه در دین
زینب از دیده‌ها بر اندوه دو رود
بر سر نیزه سر به جای سنان

عطار نیشابوری

شیخ فریدالدین ابوحامد محمد عطار نیشابوری معروف به «عطار» نیشابوری در سال ۵۴۰ ق در نیشابور متولد شد. او بحق یکی از عارفان و شاعران نامدار شعر فارسی است که او را از قلندران شعر پارسی بر شمرده‌اند. هر چند بخش اعظم عمر این شاعر بلندآوازه در سده ششم سپری شد، ولی سالیانی را نیز در سده هفتم هجری قمری زیست و در اقوال گوناگون تذکره‌نویسان نوشته‌اند، در سالهای ۶۲۶-۶۱۸ در یورش مغولان به شهادت رسیده است. بیش از ۱۸۰ مجلد آثار مختلف از وی بر جای مانده، که حدود ۴۰ عنوان آن در قالبهای شعر و نثر است. معروف‌ترین آثار او عبارتند از: دیوان قصاید و غزلیات، منطق‌الطیر، الهی‌نامه، اسرارنامه، مصیبت‌نامه، مختارنامه، خسرونامه، تذکرة الاولیاء و... این مثنوی عاشورایی از اوست.

خاک کربلا

کیست حق را و پیمبر را ولی؟	آن حسن سیرت، حسین بن علی
آفتاب آسمان معرفت	آن محمد صورت و حیدر صفت

نُه فلک را تا ابد مخدوم بود
 آن چنان سر را که بُرد بی دریغ؟
 گیسوی او تا به خون آلوده شد
 کی کنند این کافران با این همه
 صد هزاران جان پاک انبیا
 با جگرگوشهٔ پیمبر این کنند
 کفرم آید هر که این را دین شمرد

زانکه او سلطان ره معصوم بود
 کافتاب از درو آن شد زیر میغ
 خون گردون از شفق پالوده شد
 کو محمد؟ کو علی؟ کو فاطمه؟
 صف زده بینم به خاک کربلا
 وانگهی دعوی داد و دین کنند
 قطع باد از بن زبانی کاین شمرد

مولانا

جلال‌الدین محمد بلخی معروف به «مولوی» در سال ۶۰۴ ق در بلخ ولادت یافت. او را پدر مثنوی برشمرده‌اند. این شاعر نامدار سده هفتم، داستانهای فراوانی را در قالب مثنوی به تصویر کشیده است. مولانا از شاعران بلندآوازه، نکته‌پرداز و شوریده‌حال شعر فارسی است. وی در قالبهای مثنوی، غزل و رباعی دارای اشعار تأثیرگذاری است. دیوان مثنوی معنوی و دیوان شمس غزل از آثار گرانسنگ اوست. مولانا پس از سالها تدریس در مکتب‌خانه‌اش در قونیه در سال ۶۷۲ ق وفات یافت. کتاب «فیه مافیه» از آثار نثر ادبی اوست. با هم این غزل عاشورایی مولانا را از مزمه می‌کنیم.

دشت کربلا

کجایید ای شهیدان خدایی؟	بلاجویان دشت کربلایی
کجایید ای سبک روحان عاشق؟	پرنده‌تر ز مرغان هوایی
کجایید ای شهبان آسمانی؟	بدانسته فلک را در گشایی

کجایید ای ز جان و جارهیده؟
 کجایید ای در زندان شکسته؟
 کجایید ای در مخزن گشاده؟
 در آن بحرید کاین عالم کف اوست
 کف دریاست صورت‌های عالم
 دلم کف کرد کاین نقش سخن شد
 بر آ ای شمس تبریزی ز مشرق

کسی مر عقل را گوید: کجایی؟
 بداده وامداران را رهایی
 کجایید ای نوای بی‌نوایی؟
 زمانی بیش دارید آشنایی
 ز کف بگذر اگر اهل صفایی
 بهل نقش و به دل رو گر ز مایی
 که اصلِ اصلِ اصلِ هر ضیایی

شیخ شیراز

شیخ مصلح‌الدین عبدالله سعدی شیرازی معروف به «شیخ اجل» - سعدی شیرازی - شاعر، عارف، متفکر و نویسنده بزرگ از جمله شخصیت‌هایی بود که در اوایل قرن هفتم هجری قمری یعنی سال ۶۰۶-۶۰۴ ولادت یافت. سعدی از معدودترین شخصیت‌های ادبی است که پیرامون شعر و نظم و نثر، آثار حکمی، اخلاقی و علمی فراوانی را به رشته تحریر درآورده است. شیخ اجل برای تحصیلات تکمیلی خود به بغداد سفر می‌کند و در مکتب‌خانه نظامیه دارالعلم در فاصله حدود ۲۰ سال تحصیلات دینی و ادبی خود را به پایان می‌رساند.

او همچنین سفرهای طولانی و متعدد دیگری را به کشورهای عراق، شام، حجاز، شمال آفریقا، هندوستان، آسیای صغیر و آذربایجان داشته است. این سفرها توانست بر تجربیات او بیفزاید و اندیشه این مرد بزرگ را بارور سازد و جهان‌بینی او را افزون کند.

شیخ سعدی در این مسافرتهاى خود دیدار فراوانی را با بسیاری از شخصیت‌ها و اعظام روزگار خویش داشته است از جمله: مولانا جلال‌الدین